

گفت حاشا مگر که پیرو من
کاومرا شد سبب در این همه فل
یار این گشت و برد آدم را
تا به پیش درخت و گفت که کل
دو ملک را بحبس تا صف حشر
علت این گشت در چه بابل
او زند از بی ضلالت خالق
پنج نوبت بشش جهات دهل
باری ار سجع مهر می طلبد
از تو ای مرشد یگانه، ققل
جهل کن شر کل ضلالت کل
فضله صاحبان فضل، الل

ای مکر ز تو سرای وجود
وی مخالف ز تو نوای وجود
کاش مفروض کرده بود عدم
از بر هستیت قیای وجود
تو که خفاش نیستی، چه خطر
داری از رونق صفای وجود
منکر ازدهای موسیقی
ای بگوشت همه عصای وجود
مازوی جهل و پنجه کسرت
کی برد قوه از قوای وجود

دعوی اینهمه بصیرت چیست
تو که اعمائی از عمای وجود
گفته بودی نجس بکیتی نیست
آری همچون تو در فضای وجود
وهم زبال گشت و یافت ترا
ای بر پشت همه خدای وجود
فضله صاحبان فضل منحور
تو خبرداری از کجای وجود
اینهمه طعن تو بپاگان چیست
ای تو سر تا پیا خطای وجود
دزد قزوینی آن ضلال الدین
آن کهن گبر خودستای وجود
همچو کوری دلیل کوردگر
ور ترا بود پیشوای وجود
از ره جهل و غایت غفلت
آنقدر کرده ادعای وجود
طعن او که بر انبیای خدا
شتم او که بر اولیای وجود
آنقدر لاف لانسلم زد
که شد آخر قرین لای وجود
رو نمود عاقبت بکاخ عدم
بسکه بد گفت در قفای وجود

دست غیب آنچنان زدش بر فرق
که لکد کوب شد بیای وجود
یابکش دست ازین خیال بدار
که رسید برسرت بالای وجود
آخر این دعوی تمدن چیست
ای تو کمتر ز روستای وجود
ای گدا طبع تا بکی گوئی
کاغنیابند اشقیای وجود
گر نباشند اغنیای جهان
کشنه‌مانی تو از غذای وجود
پنبه از گوش نه حس خود بردار
تا که خود بشنوی صدای وجود
ای زبان بسته یاسخی درده
چون ترا خواند این ندای وجود
جهل کل شر کل ضلالت کل
فضله صاحبان فضل ، الل

فیلسوف و حکیم گردیدن
ممتنع باشد و شکفت و مهحال
کی پذیرد جمال طاوسی
گر فروشد بنخم رنگ ، شغال
یا جو طوطی کجا تواند شد
زاغ را سبز اگر شود پر و بال

تو کجایا اکتساب عقل و خرد
تو کجایا ادعای فهم و کمال
از مز عفر چرا زنی آروق
تو که ناخورده‌ای بغیر از دال
گر ترا اندکی است طبع ملول
از سخن راندنم بدین منوال
می‌کنم ترک و قصه‌ای کنمت
گوش بنما اگر تراست مجال
دوش چون گشت کتبد مینا
از کواکب بهیشت غربال
زرگر چرخ از چه مغرب
شمس خورشید را فکنده بغال
مر مرا بود از جفای قلك
دلی آشفته و پسریشان حال
بتفرج برون شدم ز سرای
تا مگر منصورف شوم ز خیال
متوجه بهر طرف بودم
نظر افکن سوی یمین و شمال
تا عبورم بقهوه‌ای افتاد
مجتمع اندرو نساء و رجال
همه حوراچبین بخوبی و اطف
همه غلمان صفت بیحسن و جمان

مجلسی از یهود و نصرانی
چون دل تو ز کفر مالا مال
یکطرف ساقیان ماه جبین
یکطرف خادمان مهر مثال
شریت و قهوه و نبیذ کهن
عرق و بیره و شراب زلال
هم زاروام حاقه مطرب
هم ز اعراب دسته قوال
نغمه چنک و بانک ساز چنان
که زمین را فکنده در زلزال
من درویش هستمند پریش
ایستاده غمین بصف تعال
ناگه از مطرب عرب پسری
بانک بر زد مرا و گفت تعال
هم زمن موجس سکوت و وقوف
از ره لطف و مهر، کرد سؤال
گفتمش پارسی زبانم من
نیستم عارف اندرین احوال
جاهل اندر زبان هر قومی
لاجرم بی زبان نماید و لال
گفت دانم بفارسی بیتی
گر تو خواهی در آرمش سؤال

یاسخش دادم اندرین گفتار
که مرا هست غایت آمال
دادم اورا بخواهش ایندور
بخشش از جیب خویش نیم ریال
من همه گوش کشته از پی قول
کاوبکف چنگ بر گرفت فقیال
شرکل جهل کل ضلالت کل
فضله صاحبان فضل ، الل

از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم

ما گدایان که بدر گاه توشاه آمده ایم
با سیاه غم و با لشکر آه آمده ایم
با دل خسته و با حال تباہ آمده ایم
ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم
از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم (۱)

ره نوردان حدوثیم ز صحرای قدم
طائف کوی تو و زائر این پاک حرم
بهر پا بوس تو ای سید و سالار امم
رهر و منزل عشقیم ز سر حد عدم
تا باقلیم وجود این همه راه آمده ایم
ای رخت مشعله افروز شبستان بهشت
کمترین خادم در گاه تو غلمان بهشت
کهنترین چاکر در بان تو رضوان بهشت
سبزه خط نو دیدیم و زبستان بهشت
بطلبکاری آن مهر گیاه آمده ایم

۱- تفسیر غزلی است از حافظ که بمناسبت تشریف
باستان قدس رضوی سروده است .

من خجل خلق بری از من و خالق بیزار
عقل مغلوب و هوای غالب و شهوت بسیار
حسنات اندک و جرم و گناه افزون ز شمار
آبرو می رود ای ابر خطایوش بیدار
که بدیوان عمل نامه سیاه آمده ایم
خواجه از روی حقارت من درویش مبین
زانکه دارم من دیوانه و برانه نشین
کنج فقری بکف از دولت ارباب یقین
با چنین کنج که شد خازن او روح الامین
بگدائی بدرخانه شاه آمده ایم
ورق نامه اعمال پر از خبط و خطاست
کشتی ماهمه طوفانی کرداب بلاست
چشم بیگلر بگی و دیده من سوی شماست
لنگر حالم توای کشتی توفیق کجاست
که درین بحر کرم غرق گمراه آمده ایم
جز بدرگاه شه ممالکت طوس، رضا
که در مغفرت و خانه عفو است و عطا
بدگر جای صبوری نبرد دست رجا
حافظ، این خرقة پشمینه بیانداز که ما
از پی قافله با آتش و آه آمده ایم

سوخت ایکنباره سراپای من!

ای بت فرخنده یکتای من
ای رخ نوشمع دلارای من
ای ختنی آهوی زیبای من
حور پری پیکر رعناای من
زهره جبین نادره زهراای من
ای دل من واله و حیران تو
بسته کیسوی پریشان تو
تشنه سر چشمه حیوان تو
وی نگه طلعت رخشان تو
قوت من و قوت اعضای من
من که زمن شهره بعالم فتاد
برد فلاتون و ارسطو زیاد
لیک غم عشق تو حوری نثراد
خیمه زد اندر دل و بر باد داد
حکمت و تدبیر من و رأی من

تازه نگارا تو حبیب منی
شاد ز بختم که نصیب منی
مایه آرام و شکیب منی
تو نه مریضی تو طبیب منی
از تو مرض و ز تو مداوای من
تا غم عشقت شده مهمان دل
درد تو شد مایه در مان دل
چون یکف تست گریبان دل
بهر خدا جان تو و جان دل
این تو و این قلب غم افزای من
دل بغم عشق تو شیدا بود
در رخ چرخ شمس تو حریبا (۱) بود
دامنم از اشک چو دریا بود
گر که ترا میل تماشا بود
خنیز و بیا بر لب دریای من
این چه غم و محنت و عشق است رشور
کز دل من کرده شکیبایدور
این چه تجلی و بروز و ظهور
وین چه جمال است که چون برق طور
سوخت بیگباره سراپسای من

۱ - حرباء - بکسر اول : آفتاب پرست
(بحر الجواهر)

ای شده دل هست می جام تو

مرغ، نوا خوان سر بام تو

منتظر قا صد و پیغام تو

فکر تو و ذکر تو و نام تو

مقصد و مقصود و تمنای من

ترک جفا جوئی و بیداد کن

بنده نمیخواهیم آزاد کن

یاشبی از مهر مرا یاد کن

ز آمدن خویش مرا شاد کن

تابش کبید دل شیدای من

ای لب شیرین تو ماه معین

چند ترش میکنی در رخ جبین

نرم نشد سخت دل تو ز کین

زلزله افتاد بچرخ برین

از اثر ناله و غوغای من

سیم تنا زنده بیوی توام

بنده خلق خوش و خوی توام

عاشق سیمای نکوی توام

من که اسیر خم موی توام

بایدت البته مدارای من

صبر صبوری بشد از کف بدر

بندعه ناصح ازین بیشتر

کش نتوان صرف نمودن نظر

مات شدی یوسف کنعان اگر

دیده بدی روی زلیخای من

پایان

تاریخچه تاسیس
کتابخانه ملی رشت

گیلانیان که قریحه و استعداد خود را در همه امور نشان داده اند
در ترویج فرهنگ و پیشرفت امور فرهنگی نیز نسبت بسایر نقاط ایران



کتابخانه ملی رشت

گوی سبقت را ربوده اند . تاسیس کتابخانه ملی در یک ربع قرن پیش ، در
رشت که هنوز سطح فرهنگ جدید در نقاط دیگر کشور وسعت نیافته

بود، گواه صادق بر این مدعاست.

۲۸ سال پیش جمعی از اهالی فرهنگ دوست و روشنفکر، تحت رهبری شادروان محمدعلی توبیت رئیس فرهنگ (وقت) کیلان در صدد برآمدند کتابخانه آبروهندی برای استفاده مردم در رشت ایجاد نمایند



آقای بهاء‌الدین املشی (۱)

از اینرو در سال ۱۳۰۶ خورشیدی شروع بساختن بنای کتابخانه بر روی قطعه زمینی از اراضی معروف به بقعه (سید ابوجعفر) متعلق بشهرداری که برایگان در اختیار جمعیت نشر فرهنگ کیلان گذاشته شده بود، کردند و بعلمت کمی بودجه ساختمان آن تا سال ۱۳۱۳ بطول انجامید و کتابخانه در مهر ماه آنسال برای استفاده عموم مهیا گردید.

بنای این کتابخانه که بهای فعلی آن بیش از دو میلیون ریالست موقوفه

۱- آقای بهاء‌الدین میزان املشی فرزند مرحوم قرج الله در سال ۱۲۹۹ هجری قمری در املش را نكوه متولد شد و در کودکی والد خود را از دست داد. در سال ۱۳۱۹ عازم تهران گردید و در مدرسه حاج شیخ هادی به تحصیل علم پرداخت و با آقایان میرزا محسن نجم آبادی و علامه دهخدا هم‌درس شد. بعد از توب بستن مجلس توسط محمد علی شاه قاجار برای ادامه تحصیل بسوی نجف رهسپار شد و در حوزه درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و

جمعیت نشر فرهنگ گیلان بوده و در ۲۵ فروردینماه سال ۱۳۰۹ بمظور استفاده از کتب و مجلات و روزنامه، بطور دائم بنام جمعیت مذکور به ثبت رسیده و جمعیت نیز دارای شخصیت حقوقی گردیده است .

تشکیلات کتابخانه

تشکیلات این کتابخانه که نقشه ساختمان آن توسط مهندسین آلمانی جهت تأسیس کتابخانه ملی تهیه شده عبارتست از یک ساختمان دو طبقه : قسمت فوقانی آن پس از عبور از پله های وسیع دارای یک سرسرای بزرگ است که محل مطالعه مجلات و روزنامه های داخلی و خارجی میباشد و دو تالار بزرگ دیگر مخصوص مطالعه کتب کتابخانه .

مخزن نسوز یکی دیگر از تشکیلات این مؤسسه است که جایگاه کتب و مجلات و روزنامه ها میباشد . و آن عبارت از تالاری است نسبتاً بزرگ که از آهن و سیمان (باصطلاح بتن آهنی) ساخته شده تا آتش نتواند بآن محل سرایت کند .

تشریح اصفهانی حضور یافت .

تا اواسط جنگ بین الملل اول در نجف اقامت داشت و پس از حمله حسین رؤف ژنرال معروف ترک بایران بنحو معجزه آسایی از میدان جنگ قصر شیرین نجات یافت و وارد ایران شد و از سال ۱۳۳۵ قمری در رشت اقامت کرد .

آقای املشی که اکنون هفتاد و ششمین سال حیات خود را میگذراند مردی است دانشمند و فرهنگ دوست و خیرخواه .

وی در تأسیس غالب مؤسسات خیریه و عام المنفعه رشت مانند بیمارستان پورسینا و پرورشگاه یشمان و کتابخانه ملی و شیر و خورشید سرخ شرکت داشته و از سال ۱۳۲۳ خورشیدی نیز تا کنون ریاست هیئت مدیره جمعیت نشر فرهنگ گیلان را عهده دار است .



محل مخصوص مطالعه روزنامه های داخلی و خارجی

این مخزن تا سال ۱۳۳۱ وجود نداشت و کتابها در تالاری جای داشت که کف آن از چوب و تخته ساخته شده و در محیط آتشزای کیلان از سرایت حریق مصون نبود بناچار جمعیت نشر فرهنگ کیلان، بر آن شد مخزن نسوزی از بتون مسلح جهت حفظ کتب گرانبها و کم نظیر کتابخانه ملی بسازد تا نتیجه زحمات یکربع قرن اهالی کیلان بر اثر سرایت آتش در چند لحظه از بین نرود و با اقداماتی که بعمل آمد شهر داری رشت (در سال ۱۳۳۱ خورشیدی) موافقت کرد مقدار ۷۵ متر مربع از اراضی متعلق بخود واقع در سمت غربی بنای کتابخانه را بطور رایگان بجمعیت واگذار کند.

هیئت مدیره جمعیت پس از تصرف زمین، اعاناتی از بنگاهها و مؤسسات کیلان مانند کارخانه گونی بافی رشت، شهرداری رشت، جمعیت



دکتر زورک پورسیروس

شیر و خورشید سرخ کیلان و اشخاص نیکو کار شهر، وصول و صرف هزینه ساختمان مخزن کرد و در نتیجه توانست ساختمان مخزن نوزاد در اوایل سال ۱۳۳۳ پایان رساند و کتابها را بمحل جدید انتقال دهد.

طبقه تحتانی کتابخانه دارای یک صحن وسیع و راهرو و چهار ایبار و حیاط و هفت باب مغازه است که اجاره بای آنها همه ماهه وصول و بمصرف هزینه های لازم میرسد.

کتابخانه ملی رشت که ساختمان آن با تمام دارائی و کتابها در شرکت سهامی بیمه بازرگانان بمبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال بیمه شده یکی از برومندترین مؤسسات سودمند فرهنگی کیلان است که توسط یازده نفر عضو بعنوان هیئت مدیره (جمعیت نشر فرهنگ) که در سال یکبار از میان اعضاء جمعیت انتخاب میگردد اداره میشود.

تعداد کتب و طرز کار کتابخانه

این کتابخانه فعلا دارای ۱۰۰۰۰ جلد کتاب گرا بیها بزبانهای شرقی و غربی است که متجاوز از ۴۵۰ جلد آن کتاب خطی نفیس و کم نظیر است و فهرست آنها بر طبق فیش دیوئی تنظیم شده و کتابداران و رابطین در اسرع وقت بر طبق مقررات کتابخانه، کتب مورد احتیاج را با کمال نظم و ترتیب در دسترس مراجعه کنندگان قرار میدهند. و تالار



اعضای یازدهمین دوره هیئت مدیره ۱۳۳۳ خورشیدی
نشسته از راست به چپ: آقایان محمد بالا زاده - تقی رائق - حسن وحدانی - بهاء الدین
املشی - حسن نجفی - مهندس اسمعیل چمرودی
ایستاده از راست به چپ: آقای مهندس محمد ادیب سعیدی - محمد ضرابی (۱) - عبدالله
عبدالمهی - کریمعلی پیشنهادی - حسین شاکری

مطالعه کتابخانه همه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ و از ۳ الی ۷ بعد
از ظهر برای استفاده عموم باز است و مراجعین علاوه بر کتاب همه وقت
می توانند از روزنامه ها و مجلات جدید الاشاره معانی و پایتخت و دیگر
شهرستانهای ایران و همچنین از بعضی مجلات و روزنامه های خارجی
برایگان استفاده کنند. طبق آمار دقیق در سال گذشته منبجوز از ۵۰۹۰۰
بار برای استفاده از کتب و مجلات و جراید، بکتابخانه ملی رشت مراجعه
شده و عدد بانوان مراجعه کننده، بالغ بر ۵۰۴ تن بوده است.

۱- آقای ضرابی (عضو علی البدل) بجای آقای دکتر پورسیروس (عضو
اصلی) که بسفر آمریکا رفته بود، در جلسه هیئت مدیره حضور یافت.



اعضاء دوازدهمین دوره هیئت مدیره درمخزن نسوز - ۱۳۳۴ خورشیدی
گنجینه کتب اهدائی جمعیت نشر دانش (۱) نیز در این عکس دیده میشود
از راست بچپ : آقایان صمد بالازاده - محمدضرابی - تقی رانقی - حسین شاکی -
مهندس ادیب سیدی - حسن نجفی - کرملی پیشمازاده - عبدالله عبدالمی - علی
مظلوم زاده (۲) - بهاءالدین املشی - حسین و حمدانی

کتابها چگونه جمع آوری میشود ؟

قسمتی از کتب کتابخانه در سال از بودجه مخصوص این مؤسسه
خریداری میشود. دانشگاههای تهران و تبریز و همچنین وزارت فرهنگ
و مؤلفان و نویسندگانی که با اوضاع کتابخانه آشنائی دارند نشرات خود

- ۱- این جمعیت در سال ۱۳۲۷ شمسی بهمت آقای کاظم مزدهی (معتمد
همایون) که در تأسیس پرورشگاه یتیمان رشت و اداره آن نیز، مهم بسزائی داشته
و دارند، در آن شهر تأسیس شد .
- ۲- آقای علی مظلوم زاده مدیر کتابخانه، سالهاست که این خدمت
فرهنگی را صادقانه انجام میدهد .

و ابرایگان میفرستند و مقدار زیادی کتاب نیز از طرف اشخاص خیر و نیکوکار شهر که مایلند اثر جاودانی در مؤسسه مذکور داشته باشند اهداء میشود .

چنانچه بعضی از این اشخاص در نتیجه اهداء کتاب (بمقدار زیاد) شکافهای مخصوصی هم در مخزن کتابخانه بنام خود دارند .



آقای ابراهیم خاوری - مدیر داخلی کتابخانه

ترتیب اهداء کتاب

کسیکه میخواهد کتابی بکتابخانه ملی رشت اهداء کند ، در صفحه اول آن کتاب نام و نشان خود را باقید این جمله : « برای استفاده عموم بکتابخانه ملی رشت اهداء میشود » نوشته ، بکتابدار تسلیم و کتابدار قبض رسمی بنام او صادر میکند ، سپس آن کتاب از لحاظ شماره صفحات بررسی شده

www.KetabFarsi.com
و ضمن قید نام اهدا کننده، در دفتر معین ثبت و صفحات کتاب هم به مهر جمعیت
نشر فرهنگ کیلان مجبور میگردد و کتاب بهر زبانی که باشد در دفتر



آقای حسین آزاده شانی - کتابدار

مخصوصی که شامل ۱۷ ستون است با مشخصات کتاب و نام اهدا کننده و
اندازه کتاب «طول - عرض - قطر» ثبت میگردد. بطور کلی اسامی اهدا

www.KetabFarsi.com
کنند کان کتاب واعانه دهند کان علاوه بر ثبت در دفاتر مخصوص ، سالی
یکبار بر روی تابلوی مخصوص آگهی ، در سرسرای کتابخانه نصب و در
روزنامه های محلی نیز درج میشود .

نظراساتید ودانشمندان درباره کتابخانه

کتابخانه ملی رشت (۱) در طول ۲۷ سال تأسیس خود خدمات قابل
توجهی بفرهنگ عمومی گیلان نموده است و این نکته مورد تصدیق عموم
فضلا ودانشمندان داخلی وخارجی است نظیر شادروان ملک الشعرا بهار -
شادروان حسین سمیعی (ادیب السلطنه) و آقایان عباس اقبال - ابراهیم
پور دارد - سعید نفیسی - دکتر محمد معین - دکتر مهدی بیانی - سید
محمد صادق طباطبائی - حبیب یغمائی - جواهر الکلام - پروفیسور روبرت
کینک هال (۲) (استاد دانشگاه کلمینیا) وغیره که تا کنون از این کتابخانه
دیدن کرده ومشاهدات خود را در دفتر یادبود کتابخانه منعکس نموده اند .
اینک برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی ، بچاپ نوشته مرحوم
ملک الشعرا بهار مبادرت میشود :

«بتاریخ شب نهم فروردین هزار و سیصد و بیست و شش هجری شمسی
توفیق رفیق راهم شد و بدیدار کتابخانه ملی و قرائتخانه عمومی جمعیت
نشر فرهنگ گیلان ، کاشیاب گردیدم و از روی جدوراستی میگویم که دیدن
این مؤسسه با این نظم و ترتیب و محلی بدین تناسب و زیب که یکسره
نمودار همت و فعالیت و فرهنگ دوستی جوانان و مردم دانشور این مرزوبوم
است یکی از بهترین تفریحات بسیار شیرین این سفر من محسوب میشود

۱- شرح چگونگی تأسیس کتابخانه ملی رشت و تشکیل جمعیت نشر فرهنگ
گیلان ، بطور تفصیل در دست تهیه است .

۲- Hall gu Robert KI

و اینک از صمیم قلب به مؤسسان این بنگاه فضل و دانش تهنیت میگوییم و توفیق اهالی بزرگوار و رجال نامدار این شهر را از خداوند همواره خواستارم.
م . بهار .

عواید کتابخانه

کتابخانه ملی رشت از لحاظ تنظیم امور و سکوت و آرامش مطلق در تالارهای مطالعه و از حیث میزان استفاده ای که مراجعین از آن مینمایند در نقاط شمالی ایران نظیر ندارد بلکه میتوان گفت از این جهت در ردیف کتابخانه‌های بزرگ پایتخت است .

عایدات کتابخانه (از کرایه مغازه‌های تحتانی بنا و اعانات شهرداری و کارخانه گونی بافی و جمعیت شیر و خورشید سرخ رشت و حتی عضویت) تماماً بمصرف خرید کتاب و روزنامه و مجله و صحافی کتب و تعمیر محل و پرداخت حقوق کارمندان و هزینه‌های متفرقه دیگر میرسد .

آینده کتابخانه

کتابخانه ملی رشت بهمت مردم ساخته شده و بکوشش مردم نیز دارای کتاب گردیده و آرزو مند است مدارج کمال را در همت کوتاهی طی نموده در ردیف بزرگترین کتابخانه‌های جهان قرار گیرد .

بکتابخانه ملی رشت کمک کنید !
کمک بکتابخانه ملی رشت ، کمک بفرهنگ عمومی کشور است .

فهرست

عنوان	از صفحه	تا صفحه
پیشگفتار - نگارش آقای ابراهیم پورداود	ث	ش
صوبوری - نگارش آقای دکتر محمد معین	ص	ن
مقدمه - نگارش هادی جلوه	و	با
صوبوری رشتی - >>>	بپ	بر
غزلها	۱	۳۶
قصیده ها	۳۷	۸۴
ترجیع بندها و جرآن	۸۵	۱۱۷
تاریخچه تأسیس کتابخانه ملی - رشت	۱۱۸	۱۲۸

تصحیحات

صفحه	سطر	تصحیح
۵	۲	درست
۶	۵	تابنداری
۷	۱۴	خویش
۳	۴	قلم خورده ، بود
۱۰	۲	باقیس-باغ
۱۱	۱۱	توان
۱۹	۶	واین
۲۳	۵	سروویاسمنش
۲۷	۱۴	تابدار
۲۸	۲	رفتار
۳۰	۱۲	گرچه
۳۸	۹	لبریز
۶	۱۰	سیامشادروان
۴۱	۲۲	بکشتزار
۶۶	۱۱	آینده-منتهی الارب
۶	۱۴	ذوابه
۷۵	آخر	اثر
۸۴	۱۰	خودرا
۱۲۵	۴	نشأه
۱۲۷	آخر	چنانکه
		Robert King